

”

مرحوم شهید  
آوینی معتقد  
است: «در نظام  
اسلامی، کار  
هرکس مستقیماً  
بر اعتقادات و  
تمایزات کیفی و  
روحی افراد بنا  
می‌شود و آن چه  
انسان‌ها را به  
کار و می‌دارد،  
نه پول، که عشق  
است. مؤمن تابع  
اعتقاد خویش  
است نه اقتصاد و  
عمل او مستقیماً  
بر نیت او است که  
بنا می‌شود

داریم تا بین سنت و تجدد جمع کنیم و در جهانی که «جهان بین دو جهان» است، حاضر شویم. به همین جهت انقلاب اسلامی به تجدد و به تکنیک پشت نکرده، همان طور که به سنت دینی و ایرانی خود پشت نکرديم. لذا سیاست هم با حضور دینی آن به میان آمد. وقتی ذات عقل تکنیک دوباره به خود برگردد فرهنگ دانش بنیان که ما هنوز در دروازه آن هستیم، همه گیر می‌شود.

### افق دانش بنیان

در آغاز دوره جدید، فرانسویس بیکن و گالیله و دکارت، فرارسیدن دوره جدید و علم تکنولوژیک را دیدند و آن را بشارت دادند، نه اینکه به صرف میل و علاقه آنان علم جدید به وجود آمده باشد. تغییر نسبت آدمی با علم در حقیقت فرع تغییر نسبت او با «وجود» است و اشخاص و مردمان به میل و هوس نمی‌توانند نسبت خود را با علم تغییر دهند و طرح علم نودر اندازند.

باید از خود پرسید جناب نیوتن منتظر چه چیزی بود که وقتی با آن صحنه روبه‌رو شد، متوجه قوانینی شد که در ذات عالم نهفته بود و او به آن قوانین منتقل شد؟

ملاحظه کنید که در هر آغازی از آغازهای تاریخ بشر نوعی حضور، افراد را بخصوص اندیشمندان آن تاریخ را فرامی‌گیرد. لذا احساس می‌کنند عزمی به سراغشان آمده و از این جهت می‌توان گفت: «تغییر نسبت آدمی با عالم، در حقیقت فرع تغییر نسبت او با خود او است.» در واقع انسان‌ها در خودشان احساس می‌کنند جهان دیگری مقابلشان گشوده شد، مثل میلی که در بشر جدید جهت کشف استعداد های طبیعت پیش آمده و نتیجه این حضور آن شد که خواست با طبیعت آن رابطه را پیدا کند تا به زندگی اش شور و معنا ببخشد و از این جهت گفته می‌شود: «اشخاص و مردمان به میل و هوس خود نمی‌توانند نسبت خود را با عالم تغییر دهند و طرح علم نودر اندازند.» از این جهت باید از خود پرسید مثلاً چه احوالاتی برای آقای نیوتن پیش آمد که منتقل شد به آن چیزی که باید منتقل می‌شد؟ در واقع او منتظر چه چیزی بود که وقتی با آن صحنه روبه‌رو شد، متوجه قانون جاذبه زمین شد؟ ما نباید تنها در ظاهر خداداد متوقف شویم و متوجه آنچه ما را به سوی خود می‌کشد، نباشیم که گویا چیزی دارد ما را به سوی خود می‌کشد.

اگر خود را گرفتار روزمرگی‌ها نکنیم، خود را در همان میدانی که به سوی آن کشیده شده ایم، می‌یابیم. و این نکته مهمی است که هرکس خود را از این جهت مدنظر قرار دهد و با توجه به این نکته آخرین عرض بنده این است: چگونه می‌توان با نظر به توحیدی بودن انقلاب اسلامی، چشم امید از آینده تاریخی که با آن انقلاب شروع شد، برداشت؟ و به گفته میشل فوکو در رویارویی غیر اروپاییان با اروپا به ظهور فلسفه‌ای فکر کرد که از آن آینده است.

ظهور فلسفه‌ای که با خود آگاهی نسبت به وضع پریشان خود در ده‌ها سال سودای غربی شدن می‌تواند طلوع کند تا بتوانیم در سایه آن نگاه فلسفی به آدم و عالم، جایگاه خود را با جهان و

در جهان دریابیم. به این معنا، «دانش بنیان» افقی خواهد بود به سوی آینده برای عبور از مشکلات و ناتوانی‌های تاریخی که در جهان امروزین ما با ما روبه‌روست ولی بحمد الله عزم و شعور عبور از آنها را با نپذیرفتن آن مشکلات در خود داریم تا نه گمان کنیم باید بدین معنارقیب غرب باشیم و نه فکر کنیم می‌توانیم در تاریخ غرب خود را ادامه دهیم. مادر این شک نداریم که ذات انقلاب اسلامی یعنی مقابله با نظام استکباری برای احیای انسانیت انسان‌ها، با همه مواعی که در پیش است مانند مواعی که در زمان حضرت امیرالمؤمنین «علیه السلام» پیش آوردند و سه جنگ به ایشان تحمیل کردند، ولی آن حضرت نسبت به حضوری که با اسلام نزد خود یافته بودند کوتاه نیامدند و در همین رابطه انقلاب اسلامی با هزاران فتنه و شیطنت دشمن، همچنان در ذات خود حاضر است.

در حالی که رسانه‌های شبکه جهانی طوری خیرسازی می‌کنند که متأثرین از آنها تصور می‌کنند، کار جمهوری اسلامی تمام است ولی چون به خود می‌آیند می‌بینند چگونه فریب خورده‌اند. انقلاب اسلامی با عظمت توحیدی اش متذکر غفلت‌های بشر این دوران است تا به خود آید.

این چهره درخشان انقلاب است

